

«دنیای هوادار»
«۲۱ خرداد» روز جهانی صنایع دستی
را گرامی می‌دارد

ملیجکانی که دستشان به سایه باقر هم نرسیده؛

کی بود، کی بود، من نبودم!

صفحه ۲

«دنیای هوادار» بررسی می‌کند؛

جورج، جوکر، کرونا و «درندگان موطلابی»!

صفحه ۳

آقای میثاقی! اجازه بده مردم قضاوت کنند؛

مجری نه عصبی می‌شود نه جبهه گیری می‌کند

صفحه ۸

نگاهی به سریال «هم‌گناه» اثر «مصطفی کیایی»؛

درمذمت همدستی

صفحه ۵۰۴



خبر اول

«مسعود کرباسیان» خبر داد:

کاهش ۲۵ درصدی گازسوزی در صنعت نفت

تأمین اعتبار اجرای پروژه بهبود وضعیت واحدهای تصفیه پساب صنعتی پالایشگاه‌های پارس جنوبی (مشمول بر هشت تصفیه‌خانه مجزا در سایت یک و یک تصفیه‌خانه متمرکز در سایت ۲)، اجرای پروژه طراحی مجتمع مدیریت پسماندهای صنعتی و ویژه سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس با استفاده از توانمندی بخش خصوصی، برگزاری مناقصه و انتخاب مشاور جهت تدوین راهنمای انجام مطالعات ارزیابی اثرات زیست‌محیطی پروژه‌های صنعت نفت و انجام معامله لجن‌های نفتی در سطح شرکت ملی نفت ایران (به شرکت‌های بازیافتی) به میزان ۱۲۱۱۴ تن از ابتدای سال ۹۷ تا پایان سال ۹۸ نیز در زمینه حفاظت از محیط زیست در مجموعه شرکت ملی نفت انجام شده است.

مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران در این پیام تاکید کرد: بديهی است برای رسیدن به سطح مطلوب محیط زیست و توسعه پایدار در سطح شرکت ملی نفت ایران، برنامه‌های متنوعی در دست اقدام بوده و با توجه به ارزش‌گذاری استراتژیک این مقوله، رعایت هرچه بیشتر موازین زیست‌محیطی و اتخاذ روش‌هایی جهت کاهش تولید آلاینده‌های صنعتی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بوده و این امر جز با همکاری و هماهنگی سطوح مختلف سازمانی و اهتمام مدیران، سرپرستان و کارکنان این صنعت امکان‌پذیر نیست.

حفاظت محیط زیست با موضوع تنوع زیستی و شعار «زمان برای طبیعت» نام‌گذاری شده است گرامی می‌داریم. وی به مهم‌ترین برنامه‌ها و اقدام‌های شرکت ملی نفت ایران در جهت حفاظت محیط زیست در یک سال گذشته اشاره کرد و افزود: یکی از این اقدامات، اجرای پروژه جمع‌آوری گازهای مشعل در حوزه شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب به میزان ۱۸ تا ۲۰ میلیون مترمکعب در روز در قالب سرمایه‌گذاری شرکت‌های پتروشیمی مارون و پالایشگاه بیدبلند خلیج فارس با هدف تأمین خوراک صنایع پتروشیمی تا سال ۱۴۰۱ و همچنین پیگیری اجرای قرارداد واحدهای جمع‌آوری و فرآوری گاز و گاز مایع ۳۲۰۰ و ۳۱۰۰ به ترتیب در حوزه جنوب غرب و غرب کشور با هدف جمع‌آوری حدود ۱۲ میلیون مترمکعب در روز گازهای مشعل به‌عنوان خوراک صنعت پتروشیمی تا پایان سال ۱۴۰۰ است.

کرباسیان با اشاره به اینکه رعایت استانداردهای مدیریت پسماند در میادین نفتی غرب کارون از طریق احداث مراکز دفن کنده‌های حفاری مطابق با الزامات معرفی شده از سوی سازمان حفاظت محیط زیست از دیگر اقدامات در زمینه زیست محیطی به شمار می‌آید، گفته که تدوین سند بهبود کیفیت هوای منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس در وزارت نفت و ارسال به هیئت محترم دولت جهت تصویب نهایی و ابلاغ جهت اجرا، انجام مطالعات فازیک مهندسی و پیگیری



مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران در پیامی با گرامیداشت روز جهانی محیط زیست، گفت: یکی از اقدامات مهم شرکت نفت در زمینه محیط زیست، تهیه گزارش‌های میزان انتشار گازهای ارسالی به فلر است که نشان از کاهش آن به میزان ۲۵ درصد در مقایسه با سال قبل دارد.

«مسعود کرباسیان» در پیامی به مناسبت روز جهانی محیط زیست با تاکید بر اینکه توسعه پایدار به معنای توسعه و افزایش رفاه جوامع و تأمین نیازهای کنونی، بدون لطمه زدن به یکپارچگی و ثبات نظام‌های حیاتی نسل‌های آتی نیازمند عزمی جدی در جهت حفظ، نگهداری و بهره‌برداری صحیح از موهب و منابع ارزشمند الهی است، ادامه داد: این موضوع در اصل پنجاهم قانون اساسی کشورمان به‌عنوان وظیفه عمومی مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین هفته محیط زیست (از ۱۶ تا ۲۲ خردادماه) را که از سوی سازمان

سرمقاله

ملیجکانی که دستشان به سایه باقر هم نرسیده؛

کی بود، کی بود، من نبودم!



محمد حایری
دبیر تحریریه

هر روز ابعاده فاجعه بیشتر مشخص می‌شود. اینکه برای ذک کردن یک آدم سالم در این فوتیال چقدر دروغ و دونگ سر هم شد و تا چه حد شامورتی بازی در آورده‌اند. حرف‌های «مهدی تاج» رئیس مستعفی فدراسیون

فوتیال-د تلویزیون سرخ‌های مهمی داشت که کلیدی‌ترین آن‌ها نقش معاون اول رئیس جمهوری و ۹ وزیر کابینه در تأمین بودجه قرارداد «مارک ویلموتس» است که از رحمانی فضلی (وزیر کشور) تا بیژن نامدار زنگنه (وزیر نفت) را شامل می‌شود... تا «مسعود سلطانی فر» (وزیر ورزش)! ما را باش که تا حالا فکر می‌کردیم این فقط منویات وزیر بی کفایت ورزش است. حال آن که موضوع فراتر از «توصیه»‌های یک وزیر بوده! تأمین مالی قرارداد ویلموتس از طریق شستا (شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی) یعنی حمایت عملی دولت برای آوردن یک سرمربی اشتباهی! تاج با بیان رقم قرارداد ویلموتس تصریح می‌کند که دستمزد این سرمربی بلژیکی حداقل یک و نیم برابر دستمزد «کارلوس کی‌روش» بود! و جالب اینکه پول ویلموتس جرینگی پرداخت شد و به قول وزیر سه ماه هم جلوتر به حسابش واریز شده بود!

تمام این مصاحبه بیابانگر اصرار دولت برای آوردن سرمربی جدید است. درست به همان اندازه که برای جدا کردن کی روش از فوتیال ایران تلاش کرده بودند. به عبارت بهتر اینکه «آقای طلوع» و مجری ای که اشک تماشای می‌ریخت و آن چند رسانه که به معنای واقعی کلمه پدر تیم ملی را در جام ملت‌ها در آورده بودند، فقط نقش ملیجکانی را داشتند که پروژه بالادستی‌ها را به ثمر برسانند. یک مشت سرباز صفر که حالا دستشان به سایه باقر هم نرسیده اما جاده صاف کن شدند برای پروژه تخریب تیم ملی که دولتی‌ها پشتش بودند. عجیب نیست که ۱۰ عضو کابینه برای پرداخت پول ویلموتس امضاء می‌زنند اما هیچ کدام حاضر نشدند نصف این رقم برای حفظ کی روش هزینه شود؟ آن موقع سرباز صفرها برای «پول بیت المال» در رادیو ورزش پیراهن می‌دریدند و در تلویزیون گوله گوله اشک می‌ریختند اما ستاد تحریم در وسط بحران تحریم، پول قرارداد دو میلیون دلاری یک مربی بیکار بلژیکی را تأمین می‌کنند! آن هم از «صندوق بازنشسته‌ها!» البته اکنون که دوران «کی بود، کی بود، من نبودم» رسیده و روزنامه نگارنما از فساد حاکم بر فوتیال ناله می‌کنند، رادیو صبح تا شب به ویلموتس بد و بیراه می‌گوید و هیچکس در هیات رئیسه فدراسیون فوتیال این بی‌ابرویی را گردن نمی‌گیرد. در حالی که قرارداد به امضای همه اعضا رسیده! اما برگ آخر «پژمان فر»-تأمین‌نده مجلس- رو کرد. آنجا که گفته این قرارداد «بوی تباخی» می‌دهد. وگرنه چه کسی از این پول‌های بی‌زبان به دامن یک کله پنی‌ری بیکار می‌ریزد؟!

کرونا در ایران

«عضو کمیته ملی اپیدمیولوژی کووید ۱۹»:

مرگ و میر کرونا در ایران کمتر از دیگر کشورها است

از روزهای اول شناسایی کنیم، منحنی اپیدمی ما متفاوت بود. امروز شکل اپیدمی در کشور دوکوهانه شده است. اگر واقع بینانه نگاه کنیم، روند بیماری را یا باید فقط در مورد بیماران بستری بررسی کنیم. این تحلیل می‌گوید پیک اول را رد کردیم و در مرحله ثبات هستیم. هم موارد بستری و هم فوتی‌ها نوسان نسبتاً ثابتی دارد. هرچند در روزهای اخیر در مورد موارد بستری هم افزایش نسبتاً تدریجی بیماری مشاهده می‌شود و دور از ذهن نیست که پیک‌های بعدی بیماری را داشته باشیم، اما انتظار نداریم پیک‌های بعدی به شدت پیکی باشد که در اواسط فروردین داشتیم.

وی افزود: تحلیل دیگر در مورد فوتی‌هاست. اگر منحنی مرگ را ببینیم، پیک اپیدمی در اواسط فروردین ماه داشتیم و تعداد مرگ روزانه بین ۵ تا ۷۰ در ادامه اتفاق افتاد. این نشان می‌دهد که پیک اول را رد کردیم.

زیادی در زمینه غربالگری و شناسایی به موقع قرنطینه و درمان انجام داده است. در ایران چالش جدی در زمینه درمان نداشتیم.

انتقال کرونا از طریق حشرات

مصطفوی در پاسخ به سوالی درباره انتقال ویروس کرونا از طریق حشرات اظهار کرد: تا امروز شواهدی مبنی بر انتقال ویروس کرونا از طریق حشرات وجود ندارد و این راه انتقال مطرح نیست.

پیک اول کرونا را رد کردیم

عضو کمیته ملی اپیدمیولوژی کووید ۱۹ در پاسخ به سوال خبرنگار سلامت ایرنا درباره پیک فعلی کرونا در کشور گفت: خیلی نمی‌توان جواب روشنی به این موضوع داد. اگر از روزهای اول می‌توانستیم ظرفیت تست را افزایش بدهیم و بیماران سرپایی را

عضو کمیته ملی اپیدمیولوژی کووید ۱۹ گفت: در مقایسه با بسیاری از کشورهای دنیا، میزان مرگ و میر کرونا در ایران به طرز قابل توجهی کمتر از بسیاری از کشورها است.

احسان مصطفوی روز گذشته در نشست خبری ویدیو کنفرانس که از وزارت بهداشت برگزار شد، افزود: یک فاکتور مهم در کمتر بودن مرگ و میر کرونا در ایران نسبت به بسیاری از کشورها، یافت سنی جوان در ایران است. میان سنی جمعیت در ایران حدود ۳۱ سال است. در اسپانیا این شاخص ۴۵ سال و در ایتالیا ۴۷ سال است. وقتی سن بالاتر باشد، انتظار می‌رود بیماری‌های زمینه‌ای، سرطان‌ها، چاقی و دیابت، فراوانی بیشتری داشته باشد که عوامل خطر مرگ و میر محسوب می‌شوند.

وی ادامه داد: موضوع دیگر موثر این است که سیستم بهداشت و درمان کشور در چند ماه اخیر تلاش‌های

بین الملل

«دانشگاه آکسفورد» ادعا کرد: تولید اسپری تنفسی واکسن کرونا

دو ماه پیش آغاز و روی بیش از ۱۰ هزار بزرگسال و کودک انجام شد. پیش از این، شرکت دارویی آسترا زنکا موافقت کرده بود ۱۰۰ میلیون دُز از این واکسن را در اختیار انگلیس قرار دهد. همچنین این شرکت توافقنامه یک میلیارد دلاری را در مورد تولید واکسن کرونا با دولت آمریکا امضا کرده است.

تاکنون بیش از هفت میلیون نفر در سراسر جهان به کرونا مبتلا شده‌اند که نزدیک به ۴۰۹ هزار نفر از آن‌ها جان باخته‌اند.

سوی بیل گیس رئیس شرکت مایکروسافت است. براساس گزارش روزنامه سان، تیم دانشگاه آکسفورد ۸۰ درصد اطمینان دارد که این واکسن کرونا در افراد جوان‌تر عمل می‌کند؛ همچنین معتقد است می‌تواند در ماه جولای (تیرمرداد) این واکسن به صورت اسپری همچون اسپری آسم مورد استفاده قرار گیرد. به گفته پرفسور آدرین هیل یکی از اعضای تیم دانشگاه آکسفورد، آزمایش کلینیکی زمانی پایان می‌یابد که اثبات شود واکسن مورد تحقیق در حفاظت از افراد موثر است. آزمایش‌های دانشگاه آکسفورد روی این واکسن حدود

روزنامه انگلیسی سان اعلام کرده واکسن کرونا ممکن است به شکل اسپری تنفسی تا ماه آینده میلادی در دانشگاه آکسفورد آماده شود. به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از تارنمای روزنامه سان، آزمایش‌ها روی این واکسن تولیدی در جریان بوده و پیش از این هدف‌گذاری اولیه برای آماده شدن در ماه سپتامبر (شهریور-مهر) برای عموم بود. براساس اعلام شرکت داروسازی «آسترا زنکا»، زمانی که تأیید نهایی انجام شود، تولید این واکسن اجرایی خواهد شد؛ هدف تولید ۲ میلیارد دُز به لطف بودجه‌رسانی از



جورج، جوکر، کرونا و «درندگان موطلائی»!



رضا توافعی
نویسنده

نگاه کردن به تظاهرات علیه نژادپرستی در آمریکا پس از قتل جنایت بار «جورج فلویید» توسط پلیس مینیاپولیس برای شخص نگارنده حامل درس های بسیار و پیام های ژرفی بوده که نتیجه گیری های خاصی را برابم همراه داشته است. اینکه بخواهیم طغیان خشم قسمتی از مردم آمریکا را صرفا به خاطر وحشی گری و افسارگسیختگی یک پلیس با خوی ضد انسانی در برخورد با یک سیاه پوست منظر و در نهایت قتل وی بدانیم و همه چیز را در اعتراض به نژادپرستی نهادینه شده و سیستماتیک در آمریکا خلاصه کنیم کمی ما را در تحلیل به خطا خواهد برد. واقعیت این است که مردم آمریکا روزی نیست که با این نوع برخورد های بیمارگونه پلیس و مسئولان ایالتی و یا شهروندان «سفید مسیحی» که زنگ و بوی نژاد پرستی داشته باشد، سر و کار نداشته باشند و این نوع برخوردها به قسمتی از روزمره و روتین زندگی آن مردم تبدیل شده است. این مسئله نه فقط در آمریکا که در کانادا و اروپای غربی هم با شدت و ضعف های متفاوت در جریان است و اینگونه اخبار هر از چند گاهی در رسانه های رسمی و اجتماعی آن ها منعکس می شود و چنین نیست که جامعه اقلیت نژادی سیاه یا زرد و یا مهاجرین با این نوع اخبار و تصاویر و برخوردها بیگانه باشد. پس قطعا دلیل این میزان از انفجار خشم مردم در آمریکا و طغیانی که شاهد آن هستیم صرفا به خاطر انعکاس خبر و تصاویر قتل جنون آمیز جورج فلویید سیاه پوست نیست و دلایل دیگری دارد که سعی می کنم در نوشتار پیش رو به آن بپردازم و البته شیوه مواجهه طبقات مختلف اجتماعی و فعالان سیاسی داخلی و اپوزوسیون خودمان را با آن زیر ذره بین ببرم و از آن نقبی بزنم به درس هایی که ما باید از چنین وضعیتی بگیریم و خودمان را آماده و محیای شرایطی کنیم که می تواند برای ما هم ایجاد شود و یا بهتر است بگویم ایجاد کنند.

اول: همانطور که در مقدمه گفتیم قتل بی رحمانه جورج فلویید در نوع خود اولین نبوده و جامعه سیاهان و نژادهای دیگر چون آسیایی تبارها یا لاتین تبارها و عرب تبارها با این نوع رفتار در کشور آمریکا و یا اروپا (به خصوص اروپای غربی) بیگانه نیست و اساسا نژادهای سفید ژرمن و سفید ساکسون تاریخی پر از برتری جویی نژادی و نفرت نژادی را حاملیت می کند که چه در مواجهه با مهاجرین و چه در مواجهه آن ها با ملل دیگر در عصر استعمارگری، کتب قطوری را اشغال کرده است. طوری که به درستی از سوی «فردریش نیچه» فیلسوف شهیر آلمانی «درندگان موطلائی» نامیده شده اند. رفتار و کردار این درندگان موطلائی از چند قرن پیش تا به امروز همیشه در برخورد با سایر مردم و ملل دنیا همین بوده و امروز هم فارغ از تمامی ادعاهای حقوق بشری و انسان مداری شان همین است و تغییری ماهوی نکرده و فقط فرم آن به شکل جوهری متفاوت شده و آن دریدگی و عریانی و برهنگی سابق را ندارد. چیزی که در قتل جورج فلویید البته رعایت نکرده اند و تاوان آن را هم در حال

نظاره اند. اما صرف عریانی و برهنگی بروز و ظهور این خشونت ذاتی، محرک این جنبش علیه وحشی گری سفیدها نبوده و عامل واقعی را باید در یک متغیر جدید یافت. متغیری به نام کرونا که باعث سقوط شدید اقتصادی و بیکاری عظیم در آمریکا و غرب شده و به خاطر این سقوط اقتصادی به مثابه یک گاز قابل اشتعال در فضای این کشورها عمل کرده که با یک جرقه قوی، به یک انفجار اینچینی بدل شده است.

دوم: لیبرالیسم اقتصادی و بدتر از آن نئولیبرالیسم آمیخته با سرمایه داری، کشورهایی را که از این مکاتب پیروی کرده اند تبدیل به یک محل برای تنازع بقای اقتصادی برای شهروندانشان کرده و انسان ها در این ساختار تبدیل به موجوداتی شده اند که گویی در یک هرم غذایی مجبور به تنازع بقا با یکدیگر شده اند و یک اشتباه و یا یک اتفاق می تواند آن ها را به انتهای این زنجیره غذایی پرتاب کند و حتی از هست و نیست ساقط کند. میزان بالای خیابان خواب ها در آمریکای شمالی که در آن این مکاتب اقتصادی و سیاسی از سوی حاکمیت با شدت بیشتر دنبال می شود خود گواهی بر این مدعاست و حال که کرونا با تبعات اقتصادی سنگینش آمده، سقوط افراد در این هرم، شدت بیشتری هم گرفته و ترس اقتصادی عظیم از نابودی سطح زندگی ای که مردم برای خود فراهم کرده اند آن ها را به موجوداتی مشوش و سردرگم که دیگر ایمانی به آینده اقتصادی خود ندارند تبدیل کرده است. این یعنی محیطی مساعد برای پرورش «جوکرها و آشوبگرانی که خود را قربانی تمام عبار جامعه و سیستم می دانند و این مسئله متأسفانه فقط مختص جامعه غربی و آمریکای شمالی نیست و کم و بیش همه دنیا را درگیر کرده و از همه بدتر کشور خودمان هم که چندسالی است مسیر نئولیبرالیسم اقتصادی را در فرایندهای کلان اقتصادی اش طی کرده از این تعریف مستثنی نیست.

سوم: برخلاف فیلم های هالیوودی که در آن دارندگان سلاح در آمریکا را مشتکی سیاه پوست یا لاتین تبار اوپاش به تصویر می کشند که در قالب گنگ ها و دسته های خلافکار، ابایی از استفاده از سلاح گرمشان علیه مردم ندارند، دارندگان واقعی سلاح در آمریکا شهروندان سفید مسیحی طبقه متوسط و بالاتر هستند که بهترین و قدرتمندترین سلاح ها را در اختیار دارند و در قالب تشکل هایی شبه نظامی سازماندهی شده اند و اغلب از سوی کهنه سربازان آمریکایی آموزش های سطح بالای نظامی هم دیده اند. همان هایی که اتفاقا بیشترشان (بخوانید همه شان) هوادار ترامپ هستند و در صورت بروز خشونت بیشتر در تظاهرات ها، به پشتیبانی از پلیس و گارد ملی آمریکا، برای قلع و قمع معترضین یا به میدان خواهند گذاشت و مطمئنا در نهایت قساوت، خوی درندگی خود را نشان خواهند داد. شاید به همین دلیل باشد که در کشور آزادی اسلحه، معترضین ایدتا به امروز دست به اسلحه نبرده اند چون می دانند در صورت چنین خطی، چگونه قضایی خواهند شد. این نکته را البته برای آن هایی که خواب جنگ داخلی در آمریکا را می بینند متذکر شدم تا بدانند اساسا چنین اتفاقی امکان وقوع در شرایط فعلی را ایدتا ندارد و اساسا موازنه خشونت کاملا به سود نیروهای هوادار حاکمیت آمریکا و ریاست جمهوری اونجلسی آن است.

چهارم: اپوزوسیون برانداز خارج نشین که پس از آمدن ترامپ، فانتزی های کودکانه اش در باب هموردی با جمهوری اسلامی را همراه با کاسه لیبسی ترامپ و ترامپیسم دنبال می کرد حالا به حال جنون افتاده و

نمی داند این همه شکست های پیاپی را که آمریکا در برخورد با جمهوری اسلامی داشته، هضم کند و حاضر است دست به هر کاری زند تا خود را از این درد که از آن به خود می پیچد رها کند. آن سو تر جماعت خائنین و مفسدین داخلی که بارها قدرت تخریب بالای شان را در فقره های گوناگون فتنه گری و آشوب سازی و جنگ اقتصادی و... به واسطه نفوذی که در برخی دستگاه های قدرت دارند، دیده ایم، احساس خطر کرده و از اینکه کارفرمایان اینطور به حال زار افتاده نگران هستند و آمال خود را در پیوستن به خاوری ها و شیخ الاسلامی های بر باد رفته می بینند. خلاصه از سلبرتی هایی که به واسطه گذاشتن یک پست جنجال ساز و موج آفرین ضد حاکمیت ملی پول های کلان از اربابان منطقه ای و فرامنطقه ای می گرفتند و برای بسیاری از آشوب ها و تشویش سازی های اجتماعی، بستر سازی می کردند و حالا رسوای عالم اند تا برخی سیاسیونی که در انتخابات شکست خورده اند و حتی توجه رئیس جمهوری که تا دیروز رحم اجاره ای اش می پنداشتند را حالا از دست رفته می بینند و از آنجا تا قوم گرایی که غروب ترامپ را غروب خود می بینند و بعد از ترامپ دیگر مورد عنایت رقبای منطقه ای ایران هم نخواهند بود تا سعودی و شیخ نشین های همسو با آن که در همه جبهه ها تا مغز استخوان شکست از ایران را حس کرده اند و... جملگی به صف شده اند تا این ورق برگردد و موازنه ای که حالا در منازعه بین ایران و غرب به شدت به سوی ایران در حال سنگین شدن است توازن دیگری یابد. بدتر از این، میل به برون فکنی مشکلات سر باز کرده در غرب توسط حاکمان غربی و به خصوص ترامپ که حالا نه فقط در سیاست خارجی که در سیاست داخلی هم کارنامه ای خالی و حتی سیاه در دستشان جلوه گری می کند، معجون خطرناکی تشکیل داده که ایران و حاکمیت آن را هدف گرفته است. متأسفانه عدم تدبیر کافی در حل مشکلات اقتصادی و هم افزایی ای که کرونا بر مشکلات اقتصادی داده و ایجاد فاصله فقیر و غنی در داخل، ایران را هم مانند سایر بلاد در تیررس تندباد حوادث نگه داشته و باید آبی که از لب و لوچه دشمنان داخلی و خارجی برای بر هم ریختن وضعیت اجتماعی کشور شرم می کند، حتما جدی گرفت.

کلام آخر

علی النهایه آنچه در غرب و در آمریکا شکل گرفته، اتفاقاتی است که دلیل وقوع ظاهری آن مسائلی چون نژادپرستی و عدم احقاق حقوق بشر اقلیت های نژادی و از این دست مفاهیم کلان انسانی است ولی درونمایه آن کاملا مبتنی بر خواسته های خویش در بعد اقتصادی و معیشتی افراد و ترس از بی آیدنگی آن هاست که در فضای تب آلود حاصل از کرونا برجسته تر شده و راهکاری هم برای رفع آن در افق های نزدیک دیده نمی شود. اگر ما خودمان را از این حیث جدا از وضعیت دنیا بدانیم آن هم وقتی این همه گرگ ها و کرکس ها و کفتارهای گرسنه داخلی و خارجی همیشه مترصد ضربه بر پیکر کشور و حاکمیت ملی آن هستند، جدا در حال خواب گردی، رویا بینی و خیالبافی هستیم و اگر این مسائل را درست رصد نکنیم و پدافند آن را - هرچه هست - از اقتصادی تا امنیتی - مهیا نکنیم، مطمئن باشید وضعیتمان بدتر از آن چیزی می شود که تا به حال در فتنه های پیشین دیده ایم. به خصوص اینکه غرب ملل ما قرار نیست هم با آشوب های «جوکر» های داخلی درگیر باشد و هم با اعمال و حملات رسانه ای و میدانی «درندگان موطلائی»!

اساسا نژادهای سفید ژرمن و سفید ساکسون تاریخی پر از برتری جویی نژادی و نفرت نژادی را حاملیت می کند که چه در مواجهه با مهاجرین و چه در مواجهه آن ها با ملل دیگر در عصر استعمارگری، کتب قطوری را اشغال کرده است. طوری که به درستی از سوی «فردریش نیچه» فیلسوف شهیر آلمانی «درندگان موطلائی» نامیده شده اند.

لیبرالیسم اقتصادی و بدتر از آن نئولیبرالیسم آمیخته با سرمایه داری، کشورهایی را که از این مکاتب پیروی کرده اند تبدیل به یک محل برای تنازع بقای اقتصادی برای شهروندانشان کرده و انسان ها در این ساختار تبدیل به موجوداتی شده اند که گویی در یک هرم غذایی مجبور به تنازع بقا با یکدیگر شده اند و یک اشتباه و یا یک اتفاق می تواند آن ها را به انتهای این زنجیره غذایی پرتاب کند و حتی از هست و نیست ساقط کند.

متأسفانه عدم تدبیر کافی در حل مشکلات اقتصادی و هم افزایی ای که کرونا بر مشکلات اقتصادی داده و ایجاد فاصله فقیر و غنی در داخل، ایران را هم مانند سایر بلاد در تیررس تندباد حوادث نگه داشته و باید آبی که از لب و لوچه دشمنان داخلی و خارجی برای بر هم ریختن وضعیت اجتماعی کشور شرم می کند، حتما جدی گرفت.

پرونده

نگاهی به سریال «هم گناه» اثر «مصطفی کیایی»؛

درمذمت همدستی

چرا «هم گناه» اثر مهمی است و باید آن را تماشا کرد؟



نمایی از محسن کیایی در سریال هم گناه

پس از اتمام پخش نخستین فصل سریال «هم گناه» در دوازده قسمت- ساخته «مصطفی کیایی»- اکنون دو قسمت از فصل دوم (پایانی) این سریال پخش شده و حال با قاطعیت بیشتر و ادله مناسب تری می توان آن را مورد تحلیل و بررسی قرار داد. نکته ای که این اثر را در مقایسه با آثار رایج و مرسوم در سریال های ایرانی صدا و سیما یا شبکه خانگی- در سال های اخیر متمایز کرده «درام قدرتمند»، «شخصیت پردازی منسجم»، «خرده پیرنگ های عمیق»، «کاراکترهای فرعی قوام یافته» و... اساسا رعایت اصل «قصه گویی» که حاصل آن «سرگرم کنندگی» به معنای دقیق کلمه است؛ چیزی که کمتر در سریال های غیر کمدی سالیان اخیر کشورمان وجود داشته که تا همین جای کار هم یک امتیاز ویژه برای تیم هم گناه-The Accomplice (به معنای «همدست») محسوب می شود که تاکید هوشمندانه این عبارت [همدست] در پوسترها و لوگوتایپ اثر بیانگر نکته مهمی در مذمت همدستی و کلیت سریال است که در ادامه با تطبیق آن میان فرم و مضمون اثر بیشتر به این سریال که برای مخاطبان احترام قائل شده و تا به این لحظه کیفیت فراتر از انتظاری را ارائه داده خواهیم پرداخت. با ما همراه باشید:

«هم گناه» روایتگر قصه ها، پیچش ها، هیجانات و تمامی اجزا و عناصری از یک سیستم منسجم، به هم پیوسته و مرتبط با یکدیگر است که ما به ازای بیرونی واضح و ملموس می دارد؛ «خانواده». به همین جهت در همان نخستین مواجهه، سنگ بنایش بر «باورپذیری» و «ارتباط مستقیم با مخاطب» گذاشته شده که در ادامه هم به خوبی از پس این مهم بر می آید و اهمیت اثر نزد سازندگان حتی از همان تیتراژ آغازین هم به راحتی قابل تشخیص است: آدم هایی حیران و متفرد که هر یک گوشه ای ایستاده و به سمتی خیره مانده [درمانده] و گویی چیزی عامل و سببیت اتصال آن ها به یکدیگر است و «اسلحه»، «عشق»، «خانه» و... هم در بطن ماجرا نقش مستقیم و غیرمستقیمی ایفا می کند که همه این ها به نوعی ثابت کننده این گزاره است که سازندگان این اثر برای چشم، گوش و البته جیب مخاطبانشان ارزش ویژه ای قائل شدند.

این اثر بسان تیتراژنامه ای است که فهرستی منظم از «نسبت افراد» با یکدیگر را به تصویر می کشد. خانواده اصل، ثروتمند و البته سنتی «صبوری»- که به این صبوری بودن افتخار می کنند- خانواده ای بزرگ، ریشه دار و قدیمی است که سال هاست در کار صادرات و واردات گل و گیاه هستند. آن ها همچنان در همان خانه قدیمی شان در کنار یکدیگر با «عشق»، «احترام» و البته رعایت اصل مهم «سلسله مراتب» همزیستی گاه مسالمت آمیز- مانند روابط خواهر و برادران بزرگ قصه- و گاه از سر ناچاری و حقه شده از سوی ملاک هایی چون «سنت خانواده» و «ارزش های خانوادگی» مانند تعارضات و شکاف واضح میان «آرمان» (محسن کیایی) و «فرید» (مسعود رایگان) یا یکدیگر سر می کنند که ورود سرزده

«پیمان» جوان (پدرام شریفی) که گمشده مهم و بنیادین سالیان گذشته «فریبرز» (پرویز پرستویی) بوده همه آن ها را دستخوش تغییراتی می کند که نخستین محرکه اصلی قصه (پس از تصادف «فرهاد» در همان سکانس اولیه که صرفا حکم گذارنده برای مخاطب را دارد) و ضدیت های برآمده از «درام» اثر به شمار می آید و از سوی دیگر، مسیر آهسته و ریتیم به نسبت کندتر هم گناه- نسبت به آثار سینمایی کیایی که اغلب آن ها ریتیم های تند و دیوانه واری دارند- باعث شده تا مخاطب برخلاف آثار رایج و حتی فیلم های سینمایی پیشین فیلمساز، با تاثیرگذاری بیشتری که برآمده از تاکید درست و زیبا بر جزئیات اثر دارد مواجه شود که از این نظر یک قدم رو به جلو برای فیلمساز است که پیش تر توانایی اش در پیدا کردن «رگ خواب» مخاطبان را بارها و بارها اثبات کرده بود و اکنون

استاندارد و جلوه نما (نه به معنای متظاهر و منفی اش) عمل کرده و این امر مصداق های بسیاری هم دارد. از سکانس های فلش بک-دیدارهای فریبرز و لیلا در جوانی- و رنگ های گرم و نارنجی به کار رفته تا دوربین فیلمساز در ارائه زوایای دید کاراکترهایش که هر یک در حکم معرف همان شخصیت ها به کار می رود.

«هم گناه» به معنای دقیق کلمه بر اصل «واقع گرایی» (نمایشی کردن واقعیت) استوار است که از این رو جنبه تحلیل ابعاد گوناگون در رویکرد رئالیستی بر آن وارد است. چیزی که در بسیاری دیگر از سریال های ضعیف و فاقد ارزش حال حاضر و چند سال اخیر همچون «ستایش»، «دل»، «مانکن»، «عاشقانه»، «آسپرین»، «ممنوعه»، «قص روی شیشه» و... عملکردی کاملا وارونه داشته که آن را تبدیل به «واقعیت نمایی» (جعل واقعیت با رویکرد فنتیش محور نسبت به پدیده های مد روز همچون لاکچری بازی های فضای مجازی و...) کرده که نه تنها جای نقد و تحلیل ندارد و بسیار پیش پا افتاده جلوه می کند بلکه بسیار «مضمون زده» و «ضد درام» است که اساسا نان را هم به نرخ لحظه می خورد و با هیچ متر و معیاری هم چه از بعد هنری، سرگرمی، اقتصادی و... قابل سنجش نیست.

هم گناه روایت همدستی آدم های بحران زده روزگار مدرن ماست و خانواده و افرادی هم که در آن ترسیم شده اند دو گروه متمایز از شخصیت ها هستند که ماجرا و اتفاقات را پیش می برند. از یک سو عده ای که مشغول دغدغه های شخصی، فردی و شغلی خویش هستند (فریبرز، آرمان، فرهاد و...) و از سوی دیگر افرادی که با هدف ریاست طلبی یا... خواستار احترام و منافعی هستند که بیش از جایگاه و لیاقت واقعی شان است (فرید، پرویز، نیکی و...) اما هرچه که هست «هم گناهی» همه این شخصیت ها- اصلی و فرعی- خط ارتباط و سببیت است که آن ها را به یکدیگر متصل می کند؛ «همدستی» که همان نام دیگر و هوشمندانه «هم گناه» است که به زبان انگلیسی بر روی پوستر و اقلام تبلیغاتی سریال ترجمه شده و بی شک برآمده از فرم درست و زیرکانه ای است که فیلمساز برای کلیت و ماهیت این اثر انتخاب کرده. بدین معنا که هر جنایت (که لزوما قتل و خونریزی نیست) آورده ای دارد و آن چیزی جز «مکافات» نخواهد بود؛ حال اینکه این مکافات تا کجا پیش خواهد رفت، مستقیما به «چگونگی» فیلمساز در روایتش دارد اما بدیهی است که آکسان سازندگان تا به این لحظه بر روی «تاثیر تصمیم» بر زندگی فرد و اطرافیانش بوده؛ از این رو نام سریال هم متعلق به تمامی شخصیت های فیلم [و احتمالا همه ما آدم ها] است که به نوعی در طول زندگی و بنا به شرایط های مختلف هم گناه یکدیگر می شویم.

اگر نگاه کوچکی به پیش داستان ارائه شده، سرگذشت و حال فعلی تمام کاراکترها داشته باشیم به خوبی متوجه این مسئله می شویم که هر یک از آن ها به نوعی با «بحران هویت» (اریک اریکسون) دست و پنجه نرم می کنند و مهم تر از آن، پرداخت درجه یک و مناسبی است که در متن برای هر یک از شخصیت ها صورت گرفته که این موضوع با دوربین پویا و استاندارد کیایی به درستی به روایتی منسجم، یکدست و متقن ختم شده و از همان قسمت های ابتدایی تا این لحظه شاهد اطلاعات کافی و مناسبی از پیش داستان شخصیت های اصلی خانواده بزرگ قصه و حتی سایر کاراکترها به ویژه این شش نفر- هستیم:

«فریبرز» (پرویز پرستویی) سرهنگ، همسر لیلا و نسرین، پدر پیمان، برادر فرید، فریده و فرهاد؛ پلیس وظیفه شناس و باهوشی که سالیان پیش طی اتفاقاتی همسرش «لیلا کوهی» (هنگامه قاضیانی) را گم کرده که تا اینجا اطلاعات

خلق و پرداخت همان عنصر جادویی فیلمنامه نویسی سریال یعنی «روابط کاراکترها»، غریب و عواطف آن ها به بهترین شکل ممکن عمل می کند که به نوبه خود نقطه عطف مهمی در سریال های شبکه خانگی تا به امروز به حساب می آید. می پرسید: «چگونه؟» کافی است به پایان هر قسمت و تعلیقی که در طول قسمت ها ایجاد می شود دقت کنید؛ تقریبا تمام دوازده قسمت فصل نخست و دو قسمت ابتدایی فصل دوم که تاکنون پخش شده با این حالت به اتمام رسیده که شمای مخاطب برای تماشای «آنچه» که در قسمت بعدی رخ خواهد داد، هیجان زده تر و حریص تر خواهید بود و این مسئله در چنین روزگاری آن هم در این کشور و صنعت نیمه جان سینما و سریال سازی اش یک «موفقیت» و «امتیاز ویژه» است؛ به ویژه که از حیث ساختار و اجرا به شدت

توانایی هایش در به تصویر کشیدن جنبه های عمیق تر در عرصه «سریال سازی» را به رخ مخاطبان کشیده. نخستین سریال «مصطفی کیایی» در مقام کارگردان بر پایه یک «نظم» اساسی و مهم چیده شده. خلق یک جهان کوچک اما عمیق از سوی طراح و نویسندگان که در آن روابط تمامی شخصیت ها- اعم از فرعی و اصلی- دارای «منطق» و چفت و بست محکمی است که در آن «فرم» به منزله یک سیستم از منظر شناختی بیش از هر چیزی به مخاطب ادراک کننده در آثار اینچنینی است و هم گناه نیز از این قاعده مستثنی نیست و ما را به عکس العملی خاص وامی دارد و بار دیگر بر همان گزاره کلاسیک تاکید می کند که: «بدون اصرار و تلاش اثر هنری، روند ادراک آغاز نمی شود»؛ از این رو این اثر در

بازگشت «پرویز» (حبیب رضایی) به زندگی فریبرز پیامد مهم دیگری هم پس از پیدا شدن پیمان خواهد داشت و آن، دیر یا زود دیدار مجدد با «لیلا» (هنگامه قاضیانی) پس از سال ها ناپیدایی و نهایتا خبر جعلی «مرگ» اش خواهد بود که منجر به تعارضات حساس و مهمی میان عقل و احساس این سرهنگ وظیفه شناس خواهد شد که این مسئله قطع به یقین یکی از عناصر درامتیکی و اصلی پیش برنده قصه در قسمت های آتی خواهد بود. جایی که فریبرز باید در نبرد عقل و احساس خویش انتخاب کند که آیا همچنان «قانون» برای همه یکسان است یا «رد خون» باعث تحولات او خواهد شد؟



که بیانگر نیاز اساسی صمیمیت به اصل «اعتماد» است؛ چیزی که دقیقا فریبز قوه سالیان درازی است از آن به معنای واقعی کلمه بهره درونی نبرده. او پس از سال‌ها با کمک «پرویز» موفق به پیدا کردن پسرش «پیمان» می‌شود و پای او را به خانه و خانواده بزرگ صبوری باز می‌کند؛ در کنار این‌ها، دغدغه‌های شغلی‌اش هم محدود است به

و چرایی آن غالباً به صورت جزئی در فلش بک‌های کم نظیر به لحاظ اجرایی به مخاطب داده شده که البته همچنان کفه پنهان و ناپیدایی‌های این خرده پیرنگ سنگینی می‌کند و باید منتظر اطلاعات مهم تر و تازه تری باشیم اما چیزی که بیش از همه تحت عنوان «بحران هویت» در شخصیت او موج می‌زند «صمیمیت در برابر انزوا» است

«فرید» (مسعود رایگان) همسر مزگان، پدر سیما (ترنس) و سارا و برادر فریبز، فریده و فرهاد؛ یک پدرخوانده تمام عیار و ایرانی‌زده شده که فقط و فقط خواهان «احترام» از سوی دیگران است و برایش هم تفاوتی ندارد که این جاده دوطرفه باشد یا نباشد اما او «انتظار» و «توقع» دارد و این بر توقعی هم ناشی از بحران‌هایی است که در طول سالیان مختلف خواسته و ناخواسته تجربه کرده و حاصل آن برون ریزی شدیدی است که گرد و خاکش نصیب دیگران می‌شود؛ از رابطه شراب و نامیمونش با «ایرج» (شاهرخ فروتنیان) - همسر سابق خواهرش - که به بر اثر همین سویه منفی این رابطه، پسر ایرج یعنی «آرمان» (محسن کبیایی) هم از نیش و کنایه و حتی زد و خورد‌های فیزیکی او در امان نیست گرفته تا سرکوب‌هایی که بر دختر کوچکترش «سیما» اعمال می‌کند، ولی؛ یک ولی بزرگ هم وجود دارد که نکته مثبت و مهمی برای کل سریال به شمار می‌آید؛ آن هم اینکه در این سریال شاهد هیچگونه شخصیت تماماً سفید و یا به صورت مطلق سیاهی نیستیم؛ آدم‌ها کاملاً ملموس‌اند و همه شخصیت‌ها هر دو خصیصه مثبت و منفی را در خود جای داده‌اند. شاید با خود فکر کنید که فرید یک غول بی شاخ و دم، بد اخلاق و بد دهنی است که حتی به دختر خودش هم رحم نمی‌کند اما مسلم است که اشتباه می‌کنید. کافی است سکانسی که در شرکت با فریبز رو در رو می‌شود و پس از اثبات شدن رابطه پدرفرزندی میان فریبز و پیمان با برگه آزمایش DNA (که خودش خواهان اثبات چنین مسئله‌ای بوده) شاهد ورود پیمان به اتاق رئیس هستیم؛ ذوق، آغوش و لحن فرید کاملاً انسانی و احساسی است و اجرای زیرپوستی و درجه یک «مسعود رایگان» در همین سکانس شمایل دیگری از خصایص مثبت و انسانی او را برای مخاطب روشن می‌سازد؛ یا نمونه دیگرش جایی است که تا تاریکی شب در باغ گل و گیاه مانده و «فرهاد» به دنبالش می‌آید تا او را به خانه ببرد؛ کمپوزیسیون درجه یک صحنه و ترکیب رنگ و نور «قرمز» (شور، عشق، حرارت، شهوت و مستی) و «آبی» (آرامش، اعتماد، احترام) در آن سکانس و باز هم اجرای عالی مسعود رایگان، متوجه بُعد دیگری از کاراکتر وی مبنی بر عجز و ناتوانی در پذیرش شکست‌ها، کمبودها یا «نشدن»‌های زندگی و تنفرش از «پنهان کاری» می‌شویم.

دستگیری بزرگترین باند خلافکار جعل اسکناس پایتخت و شخصی ملقب به «گورکن»؛ بازگشت «پرویز» (حبیب رضایی) به زندگی فریبز پیامد مهم دیگری هم پس از پیدا شدن پیمان خواهد داشت و آن، دیر یا زود دیدار مجدد با «لیلا» (هنگامه قاضیانی) پس از سال‌ها ناپیدایی و نهایتاً خبر جعلی «مرگ»‌اش خواهد بود که منجر به تعارضات

همان کارگر شهرداری که به کشتنش داده بود) سعی در کنار آمدن با شک‌ها، پرسش‌ها و ابهامات درونی‌اش دارد و از سوی دیگر بازگشت «لیلا» (معشوق و نامزد اصلی‌اش) به کشور (؟) و خانه صبوری‌ها اوضاع را برای او پیچیده‌تر از پیش کرده و احتمالاً این میانجی‌دلسوز در قسمت‌های آتی بیش از پیش در این بازی که خویش ساخته و در آن گیر کرده فرو خواهد رفت و احتمالاً در نهایت راهی بهتر از «حقیقت» پیدا نخواهد کرد.

«زیبا» (هدیه تهرانی) راننده وانت و معشوق آرمان؛ به جرات می‌گویم که زیبا (فخری) محبوب‌ترین کاراکتری است که نگارنده در سالیان اخیر در میان تمامی سریال‌های غیرکمدی ایرانی به تماشایشان نشست؛ معجونی بی‌نظیر از یک بانوی محکم، باوقار، زبیراو و البته محترم و سختکوش که حاصل آن با اجرای بی‌نظیر «هدیه تهرانی» در مقام بازیگر و شخصیت‌پردازی درجه یک و بی‌نظیر طرح و نویسندگان و نهایتاً هدایت استاندارد کارگردان در تصویر چیزی را خلق کرده که از همان سکانس‌های اولیه و ورود این شخصیت به قصه، صرفاً «لحن» و «بیان» او در ادای کلمات معرفتی این کاراکتر نقش مهمی ایفا می‌کند. راننده وانتی که دوست دارد در هر شرایطی «خوش قول» بماند اما بدشانسی‌گریبان‌اش را گرفته ولی او که جنس موسیقی موردعلاقه‌اش در آن وانت درب و داغان «فرهاد»، «فریدون» و... است چهره سنگی‌تر از آن است که به این راحتی‌ها پا پس بکشد. زیبا، مصداق بارز «استاد قهرمان» است که برای آرمان هم معشوق است، هم استاد و هم یک الگو و مسیر. او کسی است که تمام رشته‌های مجزای مرتبط به شخصیت آرمان و احتمالاً افراد دیگری را به هم پیوند می‌دهد. این قهرمان باعث می‌شود تا «استاد راکد» (آرمان) به زاینده‌گی و تحول برسد که همین زاینده‌گی او به کمک خودش هم می‌آید تا بحران میانسانی (و مشکلات گذشته) را حل و فصل کند که نهایتاً منجر به تبدیل جایگاه آرمان از قهرمان راکد به قهرمان فعال و مشوق برای او [استاد زاینده] می‌شود که این موقعیت انعطاف‌پذیر (و جا به جایی‌های دراماتیک) به درجه یک‌ترین حالت ممکن در متن و اجرا به تصویر کشیده شده و به جرات یکی از جذاب‌ترین و دوست‌داشتنی‌ترین خرده پیرنگ‌های «هم‌گناه» را به خود اختصاص داده که البته با ورود «فریبز» به حریم این رابطه ادورش را خط بکش، و گرنه

حساس و مهمی میان عقل و احساس این سرهنگ وظیفه شناس خواهد شد که این مسئله قطع به یقین یکی از عناصر درامتیکی و اصلی‌ترین برنده قصه در قسمت‌های آتی خواهد بود. جایی که فریبز باید در نبرد عقل و احساس خویش انتخاب کند که آیا همچنان «قانون» برای همه یکسان است یا «دخون» باعث تحولات او خواهد شد؟

خودم خط می‌کشم! در ادامه سریال دستخوش حوادث و اتفاقات دیگری هم خواهد شد که باید صبر کرد و دید.

«پیمان» (پدرام شریفی) پسر فریبز و لیلا، خواهرزاده پرویز و «گورکن»؛ یکی دیگر از شاه‌نقش‌های «هم‌گناه» است که احتمالاً بهترین اجرای بازیگرش نیز تا به امروز به حساب می‌آید. کاراکتری که از ابتدا مشخص بود نقش و شرایط ویژه‌ای خواهد داشت. بدین جهت که اساساً ورود او به خانواده صبوری بود که آغازگر درام و موتور محرک اولیه قصه بود و این مهم با کدگذاری‌های درست نویسندگان و فیلمساز در شخصیت‌پردازی وی به شکل مناسبی به تصویر کشیده شده؛ از تظاهر به علاقه پنهانی که به زیرکی آن را در دل «سارا» (مارال بنی‌آدم) هم ایجاد می‌کند تا به صبوری که نزدیک و نزدیک‌تر شود تا پلان ساده و سیالی که در قسمت نخست فصل دوم با یک حرکت دوربین درجه یک از POV کاراکتر «نیکی» نامزد امین- (روشنک گرامی) از مقابل چشمان او عبور می‌کند که این حالت درونی سوپزکتیو بلافاصله با یک کات به نمای دونفره‌ای که پیمان صراحتاً به سارا عنوان می‌کند: «حاصله جمع‌های بیش از دو یا سه نفره را ندارد» این تلخی و اندوه درونی را عینیت می‌بخشد. پیمان همان کسی است که فریبز همه این سال‌ها در دو سوی متفاوت به دنبالش بوده؛ نخست در مقام پسرش که آگاهانه به این جست و جو می‌پرداخت؛ دوم به عنوان «گورکن» که تنها مواجهه‌اش با او در تمامی این سال‌ها تیری بوده که شخصاً به پیش از فاصله دور شلیک کرده. حال تقابل مستقیم پدرپلیس و فرزند جاعل اسکناس در قسمت‌های آتی یکی از جذابیت‌های اصلی هم‌گناه خواهد بود که احتمالاً همین مسئله منجر به ظهور مجدد «لیلا» در زندگی فریبز خواهد شد.

نهایتاً اینکه «هم‌گناه» تا به اینجای کار و با وجود گذشت یک فصل کامل و دو قسمت از فصل پایانی، سریال مهم، سرگرم‌کننده و جذابی نشان داده که در صورت دیده شدن بیشتر پتانسیل آن را دارد تا سطح سایر سریال‌ها را هم به سبب ایجاد انگیزه در دیگر فیلمسازان، افزایش دهد. این سریال را حتما ببینید. چرا که استاندارد، قصه‌گو، سرگرم‌کننده، درگیرکننده و دارای لایه‌های عمیق ترروانشناختی است و به لحاظ فنی نیز سطح بالایی دارد و ترکیب جذاب بازیگرانش هم که نیاز به گفتن ندارد...





اگهی تغییرات

اگهی تغییرات موسسه امنیت آفرینان مهر البرز موسسه غیر تجاری به شماره ثبت ۲۶۸۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۷۰۲۰۸۸ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۲۸ تصمیحات ذیل اتخاذ شد: ۱- مدت خدمت موسسه برای مدت دو سال دیگر تمدید گردید و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح شد. (۸۶۵۸۸۰)

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری کرج

اگهی تغییرات

اگهی تغییرات شرکت جابر ازرق شیمی شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۰۶ و شناسه ملی ۱۰۸۱۷۵۰۹۲۸ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۴ تصمیحات ذیل اتخاذ شد: سرمایه شرکت از مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۵۰۰۰۰۰ سهم با نام و سهم بی نام ۱۰۰۰۰۰۰ ریالی به ۲۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۲۵۰۰۰۰۰۰ سهم با نام و سهم بی نام ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریالی از محل مطالبات حال شده افزایش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید. (۸۶۵۸۸۱)

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری اشتهارد

تاسیس شرکت

تاسیس شرکت تعاونی صیفی خشک آلی دزتاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۰۲ به شماره ثبت ۳۲۷۲۲۷ به شناسه ملی ۱۴۰۰۸۸۲۰۰۰ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم اگهی میگردد. موضوع: انجام فعالیت های اشتغال زایی در قالب مشاغل خانگی از قبیل فرآوری و بسته بندی مواد غذایی (سبزی و پیاز سرخ شده، سبزیجات و میوه جات خشک و صیفی جات) براساس مجوز اخذ شده وام قرض الحسنه و سایر تسهیلات اعتباری از منابع بانکی و دیگر مؤسسات مالی اعتباری و اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر. اخذ کمک و هدایای نقدی و غیرنقدی از دولت، اشخاص حقیقی و یا حقوقی. تودیع وجوه به حساب سپرده بلندمدت و کوتاه مدت در بانکها. مشارکت با اشخاص حقیقی و حقوقی با اولویت تعاونی ها، مشارکت دادن اعضاء و خصوصاً مدیران تعاونی در دوره های آموزشی تخصصی برای ارتقای سطح تولید و خدمات. شماره مجوز ۵۸۱۴ تاریخ مجوز ۹۷/۹/۷ اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی جنوب شهرستان کرج مدت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی: استان البرز، شهرستان کرج، بخش مرکزی، شهر کرج، محله مهرشهر (آق تپه)، خیابان شهید ابوالمنصور (پنجم غربی)، بن بست اسلامی ۹، پلاک ۰، طبقه همکف کدپستی ۳۱۸۷۱۸۳۹۲ سرمایه شخصیت حقوقی: ۱۷۱۷/۱۰۰ مورخ ۹۷/۱۱/۱۶ بانک توسعه تعاون شعبه ممتاز سه راه رجایی شهر واریز و مابقی در تعهد سهامداران می باشد. گواهی شماره ۱۷۱۷/۱۰۰ مورخ ۹۷/۱۱/۱۶ بانک توسعه تعاون شعبه ممتاز سه راه رجایی شهر واریز و مابقی در تعهد سهامداران می باشد. اولین مدیران: خانم فاطمه فتحی میادان به شماره ملی ۰۰۴۶۹۸۶۹۱ و به سمت عضو هیئت مدیره - عضو علی البدل به مدت ۳ سال آقای فرشید حیدری به شماره ملی ۰۳۲۳۳۲۷۹۶۶ و به سمت رئیس هیئت مدیره و به سمت مدیرعامل به مدت ۳ سال خانم آیدا میرزائی به شماره ملی ۰۲۱۰۲۰۶۰ و به سمت نایب رئیس هیئت مدیره به مدت ۳ سال خانم فاطمه میرزائی به شماره ملی ۰۵۹۳۹۷۱۸۶۶ و به سمت عضو هیئت مدیره - عضو علی البدل به مدت ۳ سال خانم مریم میرزائی به شماره ملی ۰۳۱۲۷۴۲۲۶ و به سمت منشی هیئت مدیره به مدت ۳ سال دارندگان حق امضا: کلیه قراردادهای و اسناد رسمی و تعهد آور بانکی از قبیل چک، سفته، برات و اوراق بهادار پس از تصویب هیئت مدیره با امضای ثابت فرشید حیدری مدیرعامل بطور ثابت و آیدا میرزائی (نایب رئیس هیئت مدیره) و مهر شرکت معتبر است و اوراق عادی و نامه ها با امضای فرشید حیدری مدیرعامل و مهر تعاونی معتبر خواهد بود. اختیارات مدیر عامل: طبق اساسنامه بازرسی: آقای حسین میرزائی به شماره ملی ۰۳۱۱۸۲۵۰۲۸ و به سمت بازرس اصلی و آقای رشید حیدری به شماره ملی ۰۱۷۱۷۰۳۹۲۹۱ و به سمت بازرس علی البدل به مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند. (۸۶۵۸۸۳)

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری کرج

اگهی ابلاغ اجرائیه کلاسه: ۹۹۰۰۶۷۸

آقای حمید محمودی پندری به نشانی متن سند فاقد نشانی بدینوسیله به آقای حمید محمودی پندری بهکار پرورنده کلاسه فوق که برابر گزارش مامور ابلاغ آدرس فوق شناخته نگردیده ابلاغ می گردد که برابر چک شماره ۰۰۷/۰۳۲۲۴۹ مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۱۲ له آقای فرامرزی رفیع زاده و علیه شما مبلغ ۹۰۰/۰۰۰ ریال اصل طلب و نیم عشر دولتی بهکار می باشد که بر اثر عدم پرداخت، بستانکار درخواست صدور اجرائیه نموده پس از تشریفات قانونی اجرائیه صادر و به کلاسه فوق در این اجرا مطرح می باشد با توجه به عدم شناسایی شما و حسب تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۸ آیین نامه اجرا بشما ابلاغ میگردد از تاریخ انتشار این اگهی که تاریخ ابلاغ اجرائیه محسوب است فقط یک نوبت در روزنامه کنترال انتشار محلی درج و منتشر میگردد ظرف مدت ده روز. نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام و در غیر اینصورت بدون انتشار اگهی دیگری عملیات اجرائی طبق مقررات علیه شما تعقیب خواهد شد. ۹۹/۸/۱۱ ف

رئیس اجرا واحد اجرای اسناد رسمی کرج- مریم ایرانی بجندی

اگهی مزایده اموال منقول - نوبت دوم

داده شده است. آنچه از ظاهر موتور مشخص گشته است موتور فاقد هواکش کامل و کاور روی موتور و کبیج روغن و درب رادیاتور و مخزن و درب جعبه فیوز می باشد و به نظر می رسد موتور در حال تعمیر بوده و تغییراتی در موتور داده شده است. بر روی قسمت چپ پوسته داشبورد سوراخی ایجاد شده و فاقد رادیو و پخش و CD درایو فابریک می باشد. روی قسمت پایین سمت چپ داشبورد دکمه فشاری نصب شده که کاربرد آن نامشخص است و نشان از دستکاری در سیستم برقی خودرو می باشد و قاب های پایین داشبورد نیز موجود نمی باشد. کاور روی دستگیره درب جلو چپ و راست موجود نمی باشد. قاب درسته دنده موجود نمی باشد و دسته دنده تعویض گشته است. شیشه جلو تعویض گشته، پایه چراغ جلو شکسته و چراغ های جلو و عقب غیر فابریک بوده و تعویض گشته. پروژکتورهای جلو و آینه داخل موجود نمی باشد. تایرها زیر خودرو و رینگها اسپرت بوده و به علت باز نشدن درب صندوق عقب لاستیک زاپاس و جک و آچار چرخ مشاهده نشد. به نظر می رسد خودرو از حالت فابریک خارج شده است. با عنایت به مراتب فوق خودرو مذکور به میزان ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال توسط کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی گردیده است. ۹۹/۸/۱۱ ف

مانند اسکندری - دادورز اجرای احکام شعبه اول مدنی مجتمع قضایی خانواده دادگستری کرج

هزینه های مزایده به نفع دولت ضبط و مزایده تجدید می گردد توضیح اینکه در صورتی که خریدار نسبت به مال غیر منقول شخص محکوم له باشد در صورت عدم تودیع کل محکوم به از سوی محکوم علیه ظرف مدت دو ماه از روز مراسم مزایده نسبت به اخذ دستور تملیک و انتقال مالکیت اقدام خواهد شد. کلیه هزینه های نقل و انتقال به عهده محکوم علیه است و از محل فروش پرداخت خواهد شد. طرفین می توانند ظرف یک هفته از تاریخ مزایده نسبت به نحوه انجام مزایده اعتراض نمایند که در این صورت تا رسیدگی به اعتراض از سوی دادگاه مورد مزایده به نام خریدار منتقل نخواهد شد ضمناً طالبین به شرکت در مزایده می توانند ظرف پنج روز قبل از مزایده با اطلاع این اجرا از مال مورد مزایده بازدید نمایند چنانچه روز مزایده مصادف با ایام تعطیل باشد روز بعد در همان ساعت امکان و در صورت تعطیلی اداره صرفاً در ساعت تعیینی مندرج در اگهی مراسم مزایده در اولین ساعت کاری بعد از آن برگزار خواهد شد. مال مورد مزایده و بهای آن طبق نظر کارشناس بدین شرح است: یک دستگاه خودرو سواری هیوندای - جنسیس کوپه مدل ۲۰۱۰ صورتی رنگ تک سوز به شماره انتظامی ۱۸۶ ص ۹۹ ایران ۶۶ با شماره شاسی ۳۲۸۶۴ و شماره موتور ۱۲۰۴۹، دارای تصادف از ناحیه جلو بوده و گلگیر عقب چپ دارای آثار برخورد می باشد. درب موتور (کاپوت) و درب صندوق عقب تعویض گشته و خودرو فول رنگ بوده و تغییر رنگ از سفید به صورتی

به موجب پرونده کلاسه ۹۸۴۶۱۷ صادره از شعبه ۲۶۰ دادگاه خانواده شهید باهنر تهران لها: خانم حدیث دیناروند با کالت آقای حمید عظیمی علیه: آقای مظاهر ابراهیمیان محکوم علیه محکوم است به پرداخت ۹۰ عدد سکه تمام بهار آزادی بابت مهریه در حق محکوم له و مبلغ پنج درصد از هزینه اجرائی با توجه به اینکه اجرائیه صادره به محکوم علیه ابلاغ شده و در مهلت مقرر نسبت به اجرای حکم اقدام ننموده است بنا به درخواست محکوم له به منظور استیفای محکوم به و هزینه اجرائی اموال متعلق به نامبرده که شامل یک دستگاه خودرو سواری هیوندای به شماره انتظامی ۱۸۶ ص ۹۹ ایران ۶۶ می باشد، از سوی این اجرا توقیف و توسط کارشناس رسمی دادگستری به شرح زیر توصیف و ارزیابی شده و مقرر است در مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۰۹ از ساعت ۸ الی ۹ صبح در محل اجرای احکام مجتمع خانواده کرج از طریق مزایده بفروش می رسد، از مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال نظریه کارشناسی شروع می شود و به هر شخص حقیقی و حقوقی که بالاترین قیمت را پیشنهاد نماید فروخته خواهد شد ده درصد وجه مزایده فی المجلس بصورت وجه نقد یا چک بانکی تضمینی از خریدار اخذ و الباقی طرف یک هفته تا یک ماه حسب تشخیص و تصمیم اجرا، از وی وصول خواهد شد و پس از انجام مراحل قانونی و صدور حکم تملیک مورد مزایده بنام خریدار منتقل خواهد شد. در صورتیکه در مهلت مقرر خریدار وجه مزایده را پرداخت ننماید سپرده وی پس از کسر

اگهی فقدان سند مالکیت

آقای مهدی مهدوی پور ضمن تسلیم دو برگ استشهادهای تصدیق شده اعلام نموده است سند مالکیت شش دانگ یک دستگاه آپارتمان مسکونی به مساحت ۷۷/۵۷ متر مربع قطعه ۱۶ تفکیکی واقع در طبقه ۴ سمت جنوب غربی به شماره ۱۶۵۶۰ فرعی از ۱۴۶ اصلی مفروز از پلاک ۳۱۸۲ فرعی از اصلی مذکور جزء حوزه ثبتی شهرستان کرج به شماره چایی ۷۶۱۹۵۸ مورد ثبت ۵۸۲ صفحه ۱ دفتر جلد ۸ ممیز یک دفتر املاک ناحیه ۳ کرج که به نام مهدی کرجی صادر گردیده و برابر سند قطعی ۳۲۰/۴۲ مورخ ۱۳۸۹/۷/۱۱ دفتر خانه ۵۷ کرج به آقای حمزه صفائی واگذار گردیده است و برابر سند صلح ۳۲۲۱ مورخ ۱۳۸۹/۷/۲۲ دفتر ۵۷ کرج به آقای مهدی مهدوی پور واگذار گردیده است مفقود گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت اگهی میشود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ انتشار این اگهی به مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وقت مقررات عمل گردد بدهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد. ۹۹/۸/۱۲ ف

محمد شکری - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج - از طرف الهه عزیزی

گزارش

«دنیای هوادار» گزارش می دهد:

وقتی مسکن در حومه تهران جذاب تر می شود



هم این بود که به تدریج تغییرات افزایشی قیمت در شهرهای اطراف تهران نیز آغاز شود.

قیمت مسکن به صورت اسمی کاهش یافت!

در سالهای ۹۵ و ۹۶ میانگین قیمت مسکن مهر قابل معامله در پزند متری ۹۰۰ هزار تا یک میلیون تومان بود که این قیمت در سال ۹۷ تغییر محدودی داشت، طوری که در تابستان آن سال، حداکثر قیمت در معاملات مسکن مهر پزند یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بود. البته در همان مقطع زمانی هم امکان خرید مسکن مهر به بهای متری ۸۰۰ هزار تومان نیز در تهران وجود داشت.

سال گذشته از شهریور ماه به بعد به فاصله یکی، دو ماه از آغاز روند افت قیمت اسمی مسکن در تهران، در شهرهای جدید نیز روند افت قیمت، آن هم با دامنه‌ای بسیار گسترده‌تر از تهران آغاز شد، طوری که میانگین قیمت واحدهای مسکونی مهر در پزند و پردیس حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون تومان نسبت به بهار و اوایل تابستان همان سال کاهش یافت. با این حال این مسیر کاهش دیری نیابید و خیلی زود تب رشد قیمت بالا گرفت؛ طوری که در معاملات شب عید بازار مسکن که از بهمن ماه آغاز شد، میانگین قیمت مسکن در شهرهای جدید افزایشی شد و معاملات نیز با وجود رشد دوباره قیمت، در جریان بود.

تغییر نسبت قیمت مسکن در تهران و حومه در حال حاضر، می‌تواند به منزله اینکه قیمت باید در حومه کاهش یا در تهران افزایش یابد تا نسبت طبیعی شود، تلقی نشود. حتی با توجه به روند رو به رشد مهاجرت به شهرهای جدید ممکن است نسبت مذکور از مقدار فعلی نیز افزایش یابد؛ به ویژه با توجه به اینکه عمق رکود در حومه به مراتب کمتر از پایتخت است و متقاضیان سرمایه‌ای اکنون اصلی‌ترین مشتریان مهاجرت کرده از پایتخت هستند که به خرید آپارتمان‌های شهرهای جدید تمایل دارند.

میانگین قیمت مسکن در شهرهای حومه پایتخت با افزایش، نسبت به نیمه دوم سال گذشته روبه‌رو شده است؛ موضوعی که نشأت گرفته از مهاجرت متقاضیان سرمایه‌ای مسکن از پایتخت به این شهرهای اقماری است. در حالی که سال گذشته یک گروه اصلی از مشتریان ملکی شهرهای جدید، متقاضیان مصرفی مسکن بودند که بودجه آن‌ها کفاف خرید آپارتمان در جنوب تهران را نداد، اما امسال متقاضیان سرمایه‌ای مسکن از تهران، شهرهای جدید را برای سرمایه‌گذاری ملکی انتخاب کرده‌اند.

به گزارش «دنیای هوادار»، تغییرات قیمتی مسکن در حومه تهران طی سه سال گذشته، روندی متفاوت از آنچه در پایتخت رخ داد را نشان می‌دهد. در اغلب شهرهای اطراف تهران اعم از شهرهای جدید و شهرهای اقماری قدیمی حومه، در سال ۹۷ و در حالی که قیمت مسکن در پایتخت در حال جهش بود، میانگین قیمت آپارتمان مسکونی نوسان اندکی داشت. در واقع روند تغییرات قیمتی مسکن در سال رونق بازار معاملات پایتخت، در شهرهای حومه همچون شهرستان‌های اطراف تهران بود.

از اواخر سال ۹۷ به‌دنبال جهش اجاره‌بها در تهران، شاهد مهاجرت مستاجران به حومه بودیم، طوری که بسیاری از مستاجران ساکن نیمه جنوبی تهران ناگزیر شدند از شهر مادر خارج شوند و ساکن حومه شوند. از آن زمان به بعد دامنه جهش قیمت مسکن تهران به حومه نیز رسید و میانگین قیمت مسکن در شهرهای اطراف پایتخت افزایش قابل‌توجهی داشت، چراکه پس از مهاجرت مستاجران، گروهی از متقاضیان مصرفی مسکن نیز که قبلاً متقاضی خرید ملک در محله‌های ارزان قیمت تهران بودند، با مشاهده فاصله زیادی که بین بودجه خود با سطح قیمت‌ها ایجاد شد، روانه اطراف تهران شدند. در واقع مهاجرت از تهران خود زمینه‌ساز رشد قیمت مسکن در شهرهای حومه شد؛ هرچند با توجه به برهم خوردن فاصله قیمت مسکن تهران و حومه، انتظار طبیعی

کارآفرینی

«دنیای هوادار» بررسی می کند:

ممنوعیت‌های تجاری فعالیت‌های کارکنان

دولت در بخش خصوصی



دکتر علی قوامی

تحلیل‌گر بازاریارسمایه

نظیر شرکت‌های تولیدی، صنعتی، بانکهای خصوصی، بیمه‌های خصوصی و... و یا شرکت‌های سهامی خاص متشکله با دوستان و اقوام دارای سهام بوده و از این باب ممنوعیتی نیست.

در خصوص سهامدار بودن کارکنان دولت باید دو حالت متمایز را در نظر گرفت:

الف - سهامدار بودن کارکنان دولت در شرکت خصوصی (ج)

ب - معامله شرکت خصوصی (ج) با دستگاه‌های دولتی

کارکنان دولت می‌توانند درصد بالایی از سهام شرکت را در اختیار داشته و این شرکت نیز می‌تواند مبادرت به انجام معاملات تجاری با تمامی اشخاص مختلف نماید لیکن از انجام معامله با دستگاه‌های دولتی ممنوع است اما چنانچه شرکت مذکور در نظر داشته باشد با دستگاه‌های دولتی نیز معامله نماید حداکثر سهام هریک از کارکنان دولت نمی‌تواند بیش از ۵٪ باشد و یا در مجموع چند نفر بیش از ۲۰٪ سهام را نداشته باشند مگر اینکه تعداد سهامداران بیش از ۱۵۰ نفر باشد و هیچیک از کارکنان دولت بیش از ۵٪ سهام نداشته باشند البته ممنوعیت‌ها و محدودیت‌هایی برای انجام معامله اینگونه شرکتها با دستگاه‌های دولتی صرفنظر از میزان سهام کارکنان دولت وجود دارد مانند مدیریت، اداره، نظارت، بازرسی و... شرکت خصوصی توسط کارکنان که به علت ابعاد مختلف و پیچیدگیهای خاص از موضوع مبحث حاضر که به سهامدار بودن کارکنان دولت اختصاص دارد خارج است.

۲. عضویت کارکنان دولت در هیأت مدیره و مدیریت عاملی شرکت خصوصی:

با توجه به اصل ۱۴۱ قانون اساسی و قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل، کارکنان دولت نمی‌توانند به ریاست یا عضویت هیأت مدیره یا مدیریت عاملی انواع شرکت‌های خصوصی تعیین شوند. قابل توجه است که ممنوعیت یادشده با ممنوعیت مذکور در مبحث اول (سهامدار بودن) متفاوت است زیرا در مبحث اول دانستیم که کارمند می‌تواند دارای سهام باشد و تحت شرایطی فقط شرکت مذکور حق معامله با دستگاه‌های دولتی ندارد ولی در ممنوعیت مبحث دوم (عضویت در هیأت مدیره یا مدیریت عاملی) کارمند تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند به سمت‌های مذکور تعیین شود.

نظر به اینکه در بسیاری موارد ایرادات و اشکالاتی در خصوص سهامدار بودن یا عضویت کارکنان دولت در هیأت مدیره شرکت‌های خصوصی مطرح و همچنین معاملات این شرکتها مورد ابهام و ایراد قرار می‌گیرد که شناخت موضوع و آشنایی نسبی با مقررات مربوطه در برخورد با این امور امری اجتناب ناپذیر و ضروری است لذا در مطالب حاضر سعی می‌شود نسبت به تبیین ابعاد مختلف ارتباط کارکنان دولت با شرکت‌های خصوصی از جهت سهامدار بودن و یا عضویت در هیأت مدیره، به بیانی ساده مورد بحث و بررسی قرار گیرد. قبل از ورود به بحث ضرورت دارد نسبت به تعریف کارکنان دولت و افراد مشمول پرداخته شود. کارکنان دولت در قوانین و مقررات به طور صریح تعریف نشده و مشخص نیست که دقیقاً منظور از کارکنان دولت چه اشخاصی هستند لیکن با مداخله در جامع مقررات مربوطه و بخصوص قانون منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارکنان دولت در معاملات دولتی و کشوری (مصوب ۱۳۷۲) که در این مطالب مستند بحث و یک شغل (مصوب ۱۳۷۳) که در این مطالب مستند بحث و بررسی است کارکنان دولت عبارتند از: کارکنان وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، شرکتها، مؤسسات دولتی و وابسته به دولت.

عمده ایرادات و اشکالات مطروحه به دو مطلب مهم توجه دارد: ۱- سهامدار بودن کارکنان دولت در شرکت خصوصی و انجام معامله شرکت مذکور با دستگاه‌های دولتی. ۲- عضویت کارکنان دولت به سمت عضو هیأت مدیره و مدیریت عاملی شرکت خصوصی.

۱. سهامدار بودن کارکنان دولت در شرکت خصوصی:

کارکنان دولت می‌توانند در هر شرکت خصوصی دارای سهام باشند و حتی قریب به تمام سهام شرکت متعلق به یک یا چند نفر از کارکنان دولت باشد. بنابراین هیچ ممنوعیتی از باب تشکیل شرکت و تأسیس آن در این زمینه وجود ندارد و این شرکت می‌تواند به فعالیت‌های تجاری خود بپردازد همچنانکه بسیاری از کارکنان دولت در شرکت‌های سهامی عام

آگهی تغییرات

آگهی تغییرات شرکت جابر ازنق شیمی شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۰۶ و شناسه ملی ۱۰۸۱۷۰۵۹۲۸ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۴ تصمیحات ذیل اتخاذ شد: -خانم فرشته یاری بسطامی به شماره ملی ۰۷۳۲۹۳۱۵۴ به سمت بازرسی اصلی خانم سیمین گلی به شماره ملی: ۰۵۳۲۵۸۵۷۴۷ به سمت بازرسی علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. (۸۶۵۸۸۲)

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری اشتهارد

آگهی تغییرات

آگهی تغییرات شرکت تولیدی پرهامین کرج شرکت با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۵۵۳۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۲۷۷۰۰۳ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۴ تصمیحات ذیل اتخاذ شد: آقای محمدرضا تیرزان به شماره ملی ۲۹۰۹۰۳۸۹۲ با دریافت مبلغ ۷۰۰/۰۰۰ ریال از صندوق شرکت معادل کلیه سهم شرکت خود، از شرکت خارج گردید و دیگر هیچ گونه حق و ستمی در شرکت ندارد. آقای فرامرز تیرزان به شماره ملی ۲۹۷۱۵۱۱۳۳۶ با دریافت مبلغ ۳۰۰/۰۰۰ ریال از صندوق شرکت معادل کلیه سهم شرکت خود، از شرکت خارج گردید و دیگر هیچ گونه حق و ستمی در شرکت ندارد. در نتیجه سرمایه شرکت از مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال کاهش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح شد. لیست صاحبان سهم شرکت بعد از کاهش به شرح ذیل می‌باشد: ۱ علی صادقی ۸۰۰/۰۰۰ محسن صادقی ۲۰۰۰۰۰ (۸۶۵۸۸۲)

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری کرج



صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهرداد تیموری

سردبیر: مهدی تیموری

دبیر تحریریه: محمد حیرانی

تحریریه: دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، محمدحسین سیفی، رضا تواضعی و نسترن کیوان پور
مدیر روابط عمومی: دکتر علی ساجدی
طراحی و صفحه آرایی: امیررضا بیات
دبیر سرویس عکس: میلاد فیروزان
نشانی: کرج، چهارراه طالقانی به سمت میدان شهدا، ساختمان حکیم، طبقه ۸، واحد ۸۲
کد پستی: ۳۱۳۴۸۹۶۳۸۴
تلفن: ۳۲۲۱۹۱۴۷
نمبر: ۳۲۴۰۰۰۳۳

«دنیای هوادار» یاد روح قلم و مرام زنده یادان ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی، بزرگان عرصه مطبوعات ورزشی کشور را پاس می دارد

حرف آخر

آقای میثاقی! اجازه بده مردم قضاوت کنند؛

مجری نه عصبی می شود نه جبهه گیری می کند



میثاقی عزیز! باش تا به زودی و پس از اینکه سیما با یکسری تسویه حساب کرد نوبت به بایکوت تو هم برسد. هرچند خود من خیلی دوست دارم ولی در مقابل تاج در نقش یک رسانه ای نبودی. تو باید طوری پرسش و پاسخ کنی که بیننده نتیجه راست و دروغ طرف را بگیرد ولی تو به زور و با شلوغ بازی و روی اعصاب مردم رفتن مدام به پایین خزیدی و تاج که از اول هم بالاتر بود بالاتر رفت... کاش همان رسانه ای منصف و حرفه ای باقی می ماندی نه بیشتر!



سیدرضا فیض آبادی
نویسنده و روزنامه نگار

یکی از رموز و اصول اولیه کار در رسانه به خصوص رسانه های تصویری اطلاعات کامل مجری و خبرنگار است و در کنار آن طرح مسئله و پرسش از مهمان برنامه در نهایت بی طرفی در عین خنثی نبودن است. مجری حق ندارد نظر خود را به زور به مهمان و حتی به بیننده القا کند. متأسفانه در حال حاضر در صدا و سیما، برنامه سازان طوری طراحی می کنند که مچ افراد را بگیرند، او را به سلاجه بکشند و سپس فاتحانه در جامعه جولان بدهند و به رسانه های نوشتاری و مکتوب فخر بفرروشند که یاد بگیرند!

یک زمان «ورزش از نگاه دو» یک مجری آورده بود که با وجود قد ریزه میزه چنان برای همه خط و نشان می کشید که انگار دعوا داشت. در یک برنامه مهمانی را دعوت کرده بود و چند بار تکرار کرد که ما مثل فلان برنامه (منظورش نود و عادل بود) نیستیم که از روی دست دیگران تقلب می کند و... البته زیاد دوام نیاورد و خودش خودش را حذف کرد!

هفته قبل بود که «علی رضوانی» که ساده و روان و بدون دخل و تصرف برنامه کوتاه و مفید بدون تعارف را روی آنتن شبکه دو می برد، ده دقیقه با آقای «مهدی تاج» مصاحبه کرد و چنان این مصاحبه بازتاب داشت که مهدی هاشمی تهیه کننده ورزش سه یا فوتبال برتر نیز تاج را به این شبکه آورد. هاشمی از تهیه کنندگان خوش فکری است که سال ها نود را روی آنتن می برد ولی با رفتن عادل هنوز جایگزینی برای نود و عادل پیدا نکرده و به نظر می رسد «محمدحسین میثاقی» را برای این مورد در نظر گرفته اند و به رغم اینکه میثاقی همان آیتم های نود را روی آنتن می برد ولی نتوانسته رضایت برنامہ ریزان شبکه ورزش و به خصوص مردم را جلب کند. چون وی اولاً کمی عصبی است و بسیار تند با تن صدای خاص برنامه را اجرا می کند و با وجود اطلاعات زیادی که دارد برای این کارکنتر مناسب نیست.

پس از برنامه ای که چندشب گذشته در شبکه سه با اجرای میثاقی و تهیه کنندگی مهدی هاشمی در جهت محاکمه مهدی تاج روی آنتن رفت خیلی ها انتقادات تندی کردند و برخی نیز حمایت کردند ولی ما خیلی خودمانی چند جمله با محمد حسین میثاقی جوان تحصیلکرده عاسق واقعی کار و با اطلاعات بسیار خوب داریم که امیدواریم من باب بهتر شدن راهی که می رود بپذیرد.

محمدحسین میثاقی... برادر عزیز! دقیقاً در مصاحبه با «مهدی تاج» رئیس مستعفی فدراسیون فوتبال- دنبال چه چیزی بودی؟ خواستی قهرمان بازی در بیاری؟ خواستی جلوی میلیون ها مخاطب - مردم- بگی دیدی چه مهدی تاج را لوله کردم؟! دیدی بهت چی گفت تاج؟ من به عنوان یک همکار رسانه ای شاکمی شدم که تاج گفت یا خیلی باسوادی یا خیلی بی سوادی!

کاش اجازه نمی دادی که تاج بگه نفهمیدی. کاش این قدر تسلط خویش به زبان انگلیسی را به رخ مردم نمی کشیدی. برادر من تو چرا اصرار داشتی که بگی or می شه یعنی (یا) چیز دیگر؟ بله... همه می دانند تو

زبان انگلیسی ات خوبه. تو چرا آرتیست بازی در میاری؟ خوب شد بهت گفت تو مثل وطن فروش ها داری حرف می زنی؟ آقای میثاقی تو باورث شده که خیلی خیلی بیشتر از عادل می فهمی و اصلا عادل در اندازه تو نیست! نه برادر خوبم...

تو از این ناراحت بودی که علی رضوانی در برنامه بدون تعارف شبکه دو، یک هفته از تو جلوتر حرکت کرد! اما رضوانی با ده دقیقه و در نهایت احترام و صداقت و خیلی حرفه ای و بدون جیغ و داد و به رخ کشیدن دوسه تا کلمه انگلیسی جواب تمام اما و اگرهای سرمربی تیم ملی را گرفت و تاج هم با احترام همه اطلاعات را گفت. تو کاری کردی که تاج آن قدر عصبی شد که گفت اطلاعاتی که داری را به وکیل ویلموتس منتقل کنی (که کنایه ای بدتر از این وجود ندارد!) تو خواستی قهرمان بچه دبستانی ها باشی تا فردا بگویند دیدی چگونه روی تاج را کم کرد؟ ولی تاج با این گاردی که تو گرفتی خیلی خونسرد و راحت خودش را تیره کرد... چون تو خودت این کار را کردی! تاج ایرادات بسیاری دارد و انتقاداتی هم به او وارد است ولی قطعا به مانند تمامی مدیران و روسای سابق خوبی ها و خدماتی هم داشته. تو باختی و رسانه ملی را هم بردی گوشه رینگ!

میثاقی عزیز! باش تا به زودی و پس از اینکه سیما با یکسری تسویه حساب کرد نوبت به بایکوت تو هم برسد. هرچند خود من خیلی دوست دارم ولی در مقابل تاج در نقش یک رسانه ای نبودی. تو باید طوری پرسش و پاسخ کنی که بیننده نتیجه راست و دروغ طرف را بگیرد ولی تو به زور و با شلوغ بازی و روی اعصاب مردم رفتن مدام به پایین خزیدی و تاج که از اول هم بالاتر بود بالاتر رفت... کاش همان رسانه ای منصف و حرفه ای باقی می ماندی نه بیشتر!

تسویه حساب کرد نوبت به بایکوت تو هم برسد. هرچند خود من خیلی دوست دارم ولی در مقابل تاج در نقش یک رسانه ای نبودی. تو باید طوری پرسش و پاسخ کنی که بیننده نتیجه راست و دروغ طرف را بگیرد ولی تو به زور و با شلوغ بازی و روی اعصاب مردم رفتن مدام به پایین خزیدی و تاج که از اول هم بالاتر بود بالاتر رفت... کاش همان رسانه ای منصف و حرفه ای باقی می ماندی نه بیشتر!

تسویه حساب کرد نوبت به بایکوت تو هم برسد. هرچند خود من خیلی دوست دارم ولی در مقابل تاج در نقش یک رسانه ای نبودی. تو باید طوری پرسش و پاسخ کنی که بیننده نتیجه راست و دروغ طرف را بگیرد ولی تو به زور و با شلوغ بازی و روی اعصاب مردم رفتن مدام به پایین خزیدی و تاج که از اول هم بالاتر بود بالاتر رفت... کاش همان رسانه ای منصف و حرفه ای باقی می ماندی نه بیشتر!

تسویه حساب کرد نوبت به بایکوت تو هم برسد. هرچند خود من خیلی دوست دارم ولی در مقابل تاج در نقش یک رسانه ای نبودی. تو باید طوری پرسش و پاسخ کنی که بیننده نتیجه راست و دروغ طرف را بگیرد ولی تو به زور و با شلوغ بازی و روی اعصاب مردم رفتن مدام به پایین خزیدی و تاج که از اول هم بالاتر بود بالاتر رفت... کاش همان رسانه ای منصف و حرفه ای باقی می ماندی نه بیشتر!

تسویه حساب کرد نوبت به بایکوت تو هم برسد. هرچند خود من خیلی دوست دارم ولی در مقابل تاج در نقش یک رسانه ای نبودی. تو باید طوری پرسش و پاسخ کنی که بیننده نتیجه راست و دروغ طرف را بگیرد ولی تو به زور و با شلوغ بازی و روی اعصاب مردم رفتن مدام به پایین خزیدی و تاج که از اول هم بالاتر بود بالاتر رفت... کاش همان رسانه ای منصف و حرفه ای باقی می ماندی نه بیشتر!

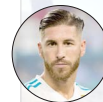
تسویه حساب کرد نوبت به بایکوت تو هم برسد. هرچند خود من خیلی دوست دارم ولی در مقابل تاج در نقش یک رسانه ای نبودی. تو باید طوری پرسش و پاسخ کنی که بیننده نتیجه راست و دروغ طرف را بگیرد ولی تو به زور و با شلوغ بازی و روی اعصاب مردم رفتن مدام به پایین خزیدی و تاج که از اول هم بالاتر بود بالاتر رفت... کاش همان رسانه ای منصف و حرفه ای باقی می ماندی نه بیشتر!

تسویه حساب کرد نوبت به بایکوت تو هم برسد. هرچند خود من خیلی دوست دارم ولی در مقابل تاج در نقش یک رسانه ای نبودی. تو باید طوری پرسش و پاسخ کنی که بیننده نتیجه راست و دروغ طرف را بگیرد ولی تو به زور و با شلوغ بازی و روی اعصاب مردم رفتن مدام به پایین خزیدی و تاج که از اول هم بالاتر بود بالاتر رفت... کاش همان رسانه ای منصف و حرفه ای باقی می ماندی نه بیشتر!

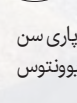


جهان فوتبال

«نتانکور»: یوسکتس الگوی من است؛ دوست دارم جلوی مدافعان بازی کنم.



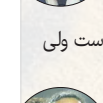
توافق رئال مادرید و «سرخپو راموس» برای تمدید یک ساله قرارداد.



«پاتولو دیبالا»: تاتنهام، منچستریونایتد و پاری سن ژرمن سراغ من آمدند ولی می خواستم در یونونتوس بمانم.



«ماروتا»: امیدوارم بارسلونا بند فسخ لائوتارو مارتینز را نپردازد!



مورفی: «الکساندر آرنولد» شگفت انگیز است ولی گمان نمی کنم به توپ طلا برسد!



«رونالدینیو»: حضور در زندان آسان نبود؛ هواداران بارسلونادر قلبم هستند.



«یورگن کلوپ»: گوتسه بازیکن خارق العاده ای است؛ بهترین ها را برای او آرزو می کنم.



«تونی دان»: اسطوره منچستریونایتد در سن ۷۸ سالگی درگذشت.



اتحادیه فوتبال در فکر موکول کردن پنجره «نقل و انتقالات تابستانی انگلیس» به ماه اگوست است.



ابولایر تغال: «مهدی طارمی»، گزینه اصلی بنفیکا برای خط حمله است.



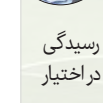
«فدراسیون فوتبال» در نامه ای به باشگاه ها خواستار تعیین تکلیف بدهی ها شد.



«پارس جنوبی جم» دو دیدار دوستانه در تهران برگزار خواهد کرد.



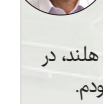
«سپاهان و ذوب آهن» یکشنبه، ۲۵ خرداد، دوباره به مصاف هم خواهند رفت.



«حسن روشن»: ما در خانه نشسته و غیرفوتبالی ها آن را اداره می کنند!



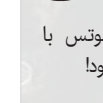
«رسول کریمندی»: به تخلفات فوتبال باید رسیدگی شود؛ دلال ها برنامه های تلویزیونی را هم در اختیار دارند!



«بیزن ذوالفقارنسب»: قرارداد مارک ویلموتس باید شفاف سازی شود.



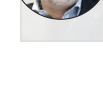
«علیرضا جهانیش»: پیش از رفتن به هلند، در آستانه انتقال به یک تیم پرتغالی ایرانی بودم.



«مهدی ترابی»: نباید مغرور شویم و خود را قهرمان فرض کنیم.



«رسول خطیبی»: قرارداد مارک ویلموتس با فدراسیون فوتبال، ظلم به مریدان داخلی بود!



«رئیس کمیته ملی المپیک»: براساس اعلام مسئولین IOC و همچنین شورای المپیک آسیا امکان برگزاری مسابقات المپیک توکیو و بازی های ساحلی چین در تاریخ مقرر وجود دارد.